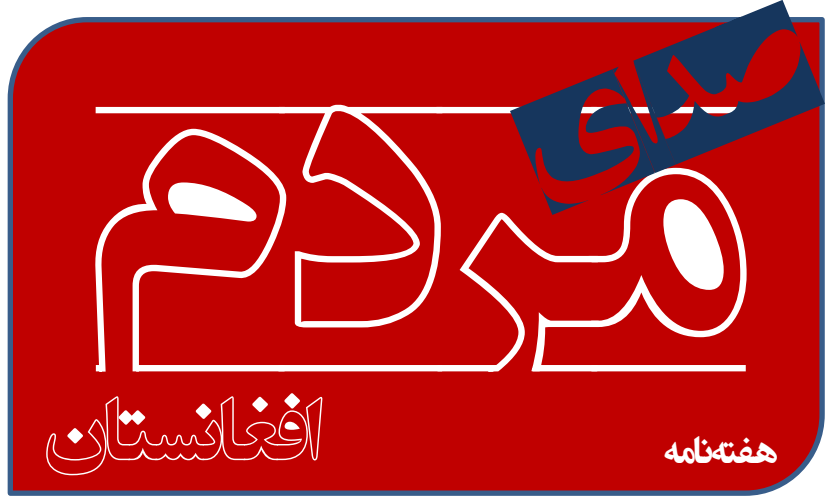


مجلس نمایندگان: برای آوردن صلح باید به رییس جمهور اعتماد کرد

شماری از اعضای مجلس نمایندگان از سخنان رییس جمهور در کنفرانس قلب آسیا حمایت کردند و آن را تنها راه حل برای رسیدن به صلح دانستند. این نمایندگان با اشاره به صحبت‌های رییس جمهور در این نشست، باورمندی به گفته‌های رییس جمهور را مهمتر از هر چیز دیگری عنوان کردند. به گزارش سلام و وطندار، جعفر مهدوی، یکی از اعضای مجلس در نشست عمومی دیروز گفت که افغانستان نیازمند صلح و امنیت است و برای تحقق آن باید به گفته‌های سران حکومت احترام قائل شد. او می‌گوید، به جز گفت‌وگو با طالبان و پاکستان برای صلح دیگر چاره‌ای نداریم. به گفته آقای مهدوی پاکستان دهمین کشور قدرتمند از نگاه نظامی است و جنگ راه حل مناسبی در این مورد نخواهد بود. در این نشست ظاهر قدیر، معاون نخست مجلس از سران حکومت خواست تا از تمام گفت‌وگوها درباره صلح افغانستان و تأمین امنیت، شورای ملی را نیز باخبر کنند. او می‌گوید، هر تصمیمی که درباره آینده کشور گرفته می‌شود نباید از مجلس پنهان بماند. حبیب‌الله فوزی، مسؤول روابط بین‌الملل شورای عالی صلح نیز اشتراک رییس جمهور در نشست قلب آسیا را پر دستاورد می‌داند و می‌گوید که رییس جمهور غنی پس از سفر به اسلام‌آباد از آغاز گفت‌وگوهای صلح تا دو یا سه هفته دیگر خبر داده است.



شماره ۶۲ | سال دوم، یکشنبه، ۲۲ قوس ۱۳۹۴ هجری خورشیدی، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی

صلح دروغین زمستانی



بهرام آموئیایی

واقعیت تلخ اینست که نه تغییری در برنامه‌ی مدیران ارشد جنگ افغانستان آمده و نه هم نظامیان پاکستانی به اهداف اصلی‌شان در افغانستان رسیده اند که به یکبارگی از سرمایه‌های استراتژیک‌شان دست بشویند و ذوق‌زده‌ی برنامه‌های خیالی "دومین متفکر جهان" مبنی بر همکاری‌ها و تالشهای مشترک علیه تروریسم، نمیدانم تبدیل کردن منطقه به مرکز بزرگ تجارتي و چه و چه‌های دیگر شوند! نظامیان پاکستانی هر قدر که به دولت افغانستان نزدیک باشند، باز هم سودی که از بابت رشد و گسترش تندروری اسلامی به آنها می‌رسد در مقایسه با دوستی کابل به مراتب بیشتر است. نظامیان پاکستانی با جنگ، نظامی‌گری و صنعت ترور زنده اند.

صفحه ۲

عراق از ترکیه به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کرد

مهم هفته

اشرف غنی برای گشایش طرح تاپی به ترکمنستان رفت

عراق از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته است تا از ترکیه بخواهد نیروهای خود را از شمال این کشور خارج کند. سفیر عراق در سازمان ملل متحد در نامه‌ای به سامانتا پاور، سفیر امریکا در سازمان ملل متحد که ریاست دوره‌ای شورای امنیت را به عهده دارد، نگرانی دولت خود را از نقض قوانین بین‌المللی توسط ترکیه ابراز داشت. سفیر عراق از خانم پاور خواسته است تا نامه‌ی اعتراض دولت این کشور را میان سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد توزیع کند. مقام‌های عراق بیشتر از ترکیه خواسته بودند تا صدها نیروی خود را از بعشقه در حوالی موصل خارج کند.

نیروهای گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) بر موصل مسلط هستند. دولت عراق می‌گوید که نیروهای نظامی ترکیه بدون مجوز وارد خاک این کشور شده‌اند. ترکیه از حضور این نیروها در عراق دفاع کرده و می‌گوید که این نیروها برای آموزش نیروهای کرد به این کشور فرستاده شده‌اند. سفیر امریکا در سازمان ملل متحد گفته است که اعزام نیروی خارجی به عراق باید با هماهنگی دولت مرکزی صورت گیرد.

رییس جمهور غنی، در رأس یک هیأت بلندپایه به منظور گشایش طرح انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و هند (تاپی) به عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان رفت. بر بنیاد خبرنامه ارگ ریاست جمهوری، آقای غنی در جریان این سفر دو روزه، در کنار گشایش کار ساخت و ساز طرح خط لوله گاز تاپی، در نشست "راهبردهای بی‌طرفانه، همکاری‌های بین‌المللی در عرصه صلح، امنیت و پیشرفت" نیز سخنرانی خواهد کرد. طرح تاپی از برنامه‌های مهم اقتصادی افغانستان است که با اجرایی شدن آن، افغانستان سالانه میلیون‌ها دالر حق عبور خواهد گرفت و هم‌زمان برای ۱۲ هزار نفر نیز فرصت شغلی فراهم خواهد شد. با تطبیق این طرح طی ۳۰ سال، سالانه به مقدار ۳۳ میلیارد مترمکعب گاز به پاکستان و هند منتقل می‌شود؛ سهم افغانستان از این انتقال ۱۴ میلیون مترمکعب گاز در روز خواهد بود.

در همین حال، صلاح‌الدین ربانی وزیر امور خارجه، دیروز در نشست عمومی مجلس نمایندگان گفت، نباید این طرح را صرفن از زاویه مسایل اقتصادی سنجد و باید به فرصت‌های سیاسی‌یی که این طرح می‌تواند در آینده فراهم سازد نیز توجه داشت. به گفته آقای ربانی، طرح تاپی در کنار سود اقتصادی، در تحکیم روابط نیک سیاسی و تأمین امنیت در منطقه نیز بسیار سودمند خواهد بود.

سازمان ملل:

در جنگ قندوز ۲۸۹ غیرنظامی کشته شدند



دفتر هیات کمک سازمان ملل در افغانستان (یوناما) گفته است که درگیری میان نیروهای امنیتی افغانستان و مخالفان مسلح در ولایت قندوز در شمال شرق افغانستان ۲۸۹ غیرنظامی کشته شدند.

این نهاد که تلفات غیر نظامیان را مستندسازی کرده، در خبرنامه‌ای نوشته که در این دوره زمانی (از ۱۸ سپتمبر تا ۱۳ اکتبر سال جاری میلادی) ۵۵۹ غیرنظامی نیز زخمی شده‌اند. کنترل شهر قندوز دوشنبه (۶ میزان/مهر)، علی‌رغم برتری نیروهای دولتی، به دست گروه طالبان افتاد و نبرد برای پس گرفتن مجدد و پاکسازی آن حدود ۲۵ روز به طول انجامید. به گفته یوناما این نهاد کشته و زخمی شدگان غیرنظامی را در این مدت ثبت کرده و یافته‌های اولیه‌اش نشان می‌دهد که در این مدت قتل‌های خودسرانه، آدمربایی، شکنجه و انواع دیگر خشونت انجام شده است.

یوناما افزوده که در این مدت تهدید و فعالیت‌های گسترده‌ی مجرمانه، استفاده از کودکان در درگیری‌ها، عدم دسترسی به آموزش، بهداشت و محدودیت آزادی‌های فردی برای گشت‌وگذار نیز گزارش شده است.

در خبرنامه‌ی یوناما اشاره‌ی صریحی به اینکه چه کسانی به این اقدامات دست زده‌اند، نشده و گفته شده که اطلاعات مفصل‌تر در گزارش سالانه‌ی این نهاد منتشر خواهد شد.

این نهاد افزوده که در بمباران بیمارستان سازمان پزشکان بدون مرز، توسط نیروهای امریکایی ۳۰ نفر کشته و ۳۷ نفر دیگر

زخمی شده‌اند. بیشتر سازمان پزشکان بدون مرز گفته بود که اطلاعات تازه‌ی آنها نشان می‌دهد که در این حمله ۴۲ نفر کشته شده‌اند. این گزارش به نگرانی‌های حقوق بشری در این دوره اشاره کرده و نوشته که جنگ قندوز، اولین جنگ طولانی‌مدت شهری بعد از سال ۲۰۰۱ در افغانستان است. این نهاد سفارش کرده‌است که باید از کشته‌شدن غیرنظامیان جلوگیری و برای حفاظت از جان آنان با توجه به قوانین بین‌المللی و حقوق بشری اقدامات لازم در نظر گرفته شود. ولایت قندوز در شمال شرقی افغانستان، با ولایت‌های تخار در شرق، بغلان در جنوب و سمنگان و بلخ در غرب هم‌جوار است. در شمال قندوز کشور تاجیکستان است که رود آمو خط مرزی آن را تشکیل می‌دهد. بندر تجاری شیرخان، دومین بندر مهم شمال افغانستان هم در شمال قندوز واقع شده‌است.

اقتصاد یک میلیارد دالری داعش



شدند. امریکا بلافاصله اعلام کرد نابودش می‌کند. اما داعش همچنان برقرار است و هر ماه میلیون‌ها دالر درآمد دارد. کسی که در مورد درآمدهای داعش تحقیق کرده، کلمب استرک از شرکت اچ.آی.اس است. او در مورد رقمی که به دست آورده می‌گوید: "۵۰ درصد درآمد از مالیات و مصادره اموال است، ۴۳ درصد از فروش نفت، و بقیه از قاچاق مواد مخدر، فروش برق و کمک مالی اشخاص". آقای استرک تأکید دارد که داعش یا دولت اسلامی چیزی فراتر از یک گروه تروریستی است.

گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) ماهی ۸۰ میلیون دالر درآمد دارد، یعنی حدود ۹۶۰ میلیون دالر در سال، که بیشتر آن مالیات است. سران این گروه آخرین حقوق نیروها را کم کرده‌اند که خزانه‌شان تقویت شود. آن‌چه امروز خودش را دولت اسلامی می‌خواند، ابتدا گروهی جهادی بود که سال ۲۰۱۴ با تصرف قلمرویی گسترده در سوریه و عراق پدیدهای جهانی شد. خشونت بی‌حد، از جمله قتل‌ها، آدم‌ربایی و سربردن، نام داعش را سر زبان‌ها انداخت. به مرور افرادی از دیگر نقاط جهان اسلام جذب این گروه

صفحه ۲



اتهام پی اتهام

ب. آذری

این چندمین بار است که حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی اشرف غنی متهم به پشتیبانی از داعش در افغانستان می‌شود. اما او هر بار با رد این اتهام‌ها از تلاش‌هایش برای زمین‌زدن داعش و سرکوب این گروه تروریستی خبر می‌دهد. اتهام‌ها را فهرست‌وار مرور می‌کنیم:

متهم شدن حنیف اتمر به پشتیبانی از خانواده‌های داعشی در ولایت پکتیکا. والی پیشین این ولایت در اظهار نظری گفته بود که مشاور امنیت ملی رئیس جمهور غنی مبلغ ۲۰۰ هزار دلار به خانواده‌های داعشی در ولسوالی برمل ولایت پکتیکا کمک کرده است. او در ضمن از وارد شدن تروریست‌های خارجی با امکانات تسلیحاتی پیشرفته و موثرهای ضد گلوله از خاک پاکستان به این ولایت، سخن زده بود. در پی این افشاگری، "حکومت وحدت ملی" هیئت

حقیقت‌یاب تعیین کرد و نتیجه‌اش هم چیزی بود که هیچ فردی را راضی نکرد. کمیسیون گفته‌های والی پیشین پکتیکا را نادرست خواند و در نهایت او از وظیفه‌اش سبک‌دوش شد. اما نتایج بررسی‌های هیئت حقیقت‌یاب به کاهش شایعات در میان مردم در پیوند به اتهامی که بر آقای اتمر وارد شده بود منجر نشد؛ تا اینکه ظاهر قدیر، معاون رئیس مجلس نمایندگان با انتقادهای تند از حنیف

اتمر، یک بار دیگر داستان اتهام‌زنی بر او را تازه کرد و به دامنه‌ی حدس و گمان‌ها در زمینه‌ی گسترش فعالیت‌های تروریستی داعش افزود. آقای قدیر گفت: "مسوولان و فرماندهان خط [اول] داعش به خدا قسم در کابل زندگی می‌کنند، به خدا قسم به سفارتخانه‌ها می‌روند، به خدا قسم به اداره‌های امنیتی ما می‌روند". آقای قدیر

هشدار داد که "مشاور امنیت ملی رئیس جمهور کل افغانستان را قیضه کرده و به طرف برپادی می‌کشاند و هیچ‌کسی نیست که صدای خود را بلند کند". بعد او در هشدار دیگر گفت، اگر اسناد در دست‌داشته‌اش را افشا کند، حکومت سقوط خواهد کرد. این بار هم حکومت هیئت حقیقت‌یاب تعیین کرد که هنوز مصروف تحقیق است و نتیجه‌ی بررسی‌هایش را اعلام نکرده است. از اتهام آقای قدیر بر

حنیف اتمر مدتی نگذشته که او یک بار دیگر متهم به حمایت از داعش شده است. این بار اما یک مقام دیگر افغان نیز در کنار اتمر افزوده شده است. خبرگزاری تاس روسیه به نقل از یک مقام امنیتی افغان که نخواست نامش فاش شود، نوشته است که "بالگردهای نظامی نوع می-۱۷ افغانستان جنگجویان داعش را به مرزهای تاجیکستان و ترکمنستان انتقال می‌دهند."

به گزارش این خبرگزاری، "عملیات انتقال جنگجویان داعش به مرزهای تاجیکستان و ترکمنستان را معصوم استانکزی، سرپرست وزارت دفاع و حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور افغانستان رهبری می‌کنند."

هنوز حنیف اتمر و معصوم استانکزی هیچ‌کدام در مورد این اتهام تازه واکنش نشان نداده‌اند. اما آنچه روشن است اینکه اتهام یادشده نیز از سوی هر دو مقام دولتی رد خواهد شد. آقای استانکزی نیز مثل حنیف اتمر پیش از این آماج اتهام‌هایی قرار گرفته است. عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ زمانیکه آقای استانکزی به عنوان نامزد وزارت دفاع معرفی شد، با انتقاد از نامزدی او در این پست، استانکزی را به دست‌داشتن در ترور برهان‌الدین ربانی، رهبر جمعیت اسلامی و رئیس پیشین شورای عالی صلح متهم کرد. اتهام همکاری با پاکستان نیز به معصوم استانکزی زده شده است.

حالا اساسی‌ترین پرسشی که باید آقای اتمر و استانکزی به آن پاسخ بگویند اینست که چرا هر بار آنها متهم به پشتیبانی از داعش و همکاری با پاکستان می‌شوند؟ اتمر و استانکزی باید با دلایل قانع‌کننده و محکم به مردم افغانستان ثابت کنند که این اتهام‌ها نادرست‌اند. ورنه بازار اتهام‌زنی بر آنها با گذشت روز روز بیشتر گرم می‌شود و در نهایت شک و تردیدها نسبت به اراده و عملکرد مقام‌های ارشد حکومتی در میان مردم بیشتر می‌شود؛ مسأله‌ی که شکنندگی و آسیب‌پذیری "حکومت وحدت ملی" را بیشتر از پیش می‌سازد.

صلح دروغین زمستانی



این روزها خبر تشریفات غیرمنتظره از اشرف غنی در اسلام‌آباد و امیدواری‌ها نسبت به علاقمندی پاکستان در پیوند به ازسرگیری گفتگوهای صلح میان دولت افغانستان و گروه طالبان در هر رسانه‌ی بازتاب داده می‌شود. حتی برخی‌ها که در گذشته با دید بدبینانه به قصد و اراده‌ی پاکستان می‌دیدند، حالا در تلاش بازنگری دیدگاه‌هایشان برآمده‌اند و شاید تصور می‌کنند در حق پاکستانی‌ها کم‌لطفی کرده‌اند.

افغانستانی‌ها از بس که رنج کشیده‌اند، بدی دیده‌اند، سرکوب و تحقیر شده‌اند، گاهی با شنیدن، دیدن و خواندن خبر کوتاه خوشحال‌کننده سر از پا نمی‌شناسند و با یکی دو نمایش رسانه‌ی ساختگی و دروغین نوق‌زده شده و در صدد فرضیه‌سازی‌های جدید می‌برایند. یکی می‌نویسد که غنی این بار در حضور نمایندگان ایالات متحد آمریکا و چین از دولت اسلام‌آباد تضمین گرفته که این می‌کند و آن نمی‌کند. یکی با دیدن استقبال گرم و غیرمنتظره‌ی غنی در میدان هوایی اسلام‌آباد مات و حیران می‌ماند و به یکبارگی فراموش می‌کند که به گفته‌ی رحمت‌الله نبیل، رئیس پیشین امنیت ملی، ابزارهای جنگ نیابتی پاکستان همزمان با برگزاری تشریفات حیران‌کننده‌ی نواز شریف از اشرف غنی، در قندهار، هلمند، تخار، بدخشان و جاهای دیگری از کشور دست به کشتار و جنایت می‌زدند و بعد با افتخار تمام مسوولیت این کشتارها را به عهده می‌گرفتند.

سال گذشته نیز نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان دشمن افغانستان را دشمن کشورش خواند و راحیل شریف، رئیس ستاد ارتش پاکستان به کابل آمد و در دیدار با اشرف غنی تعهد داد که طالبان را به میز گفتگوی مستقیم با دولت افغانستان خواهد کشاند و پس از برگزاری نشست مری، از سیاستگر و غیرسیاستگر همه نوق‌زده شده و با فرضیه‌سازی‌های همیشگی سعی کردند وضعیت جدید و امیدوارکننده را به فال نیک بگیرند. حتی اشرف غنی خوشبینی‌اش از پیام عیدی ملا عمر را نتوانست پنهان کند. اما بسیار زود پس از برگزاری دور نشست نشست مری ثابت شد که پاکستانی‌ها این بار

هم افغانستانی‌ها را فریب داده‌اند و به نمایندگی از ملا عمر مرده با آنها گفتگو می‌کرده‌اند. پس از افشای مرگ ملا عمر بود که بدبینی‌های همیشگی نسبت به پاکستان دوباره برگشت و دیگر خبری هم از وضعیت جدید نبود. تا اینکه فصل گرما رو به پایانی نهاد و زمان استراحت جنگی سه‌ماهه‌ی طالبان فرارسید. امریکایی‌ها و پاکستانی‌ها دوباره فعال شده و دولت کابل را زیر فشار قرار دادند تا با طالبان وارد گفتگو شود. غنی به پاکستان رفت و باز همان خوشبینی‌های موقت و زودگذر.

واقعیت تلخ اینست که نه تغییری در برنامه‌ی مدیران ارشد جنگ افغانستان آمده و نه هم نظامیان پاکستانی به اهداف اصلی‌شان در افغانستان رسیده‌اند که به یک‌بارگی از سرمایه‌های استراتژیک‌شان دست بشویند و نوق‌زده‌ی برنامه‌های خیالی "دومین متفکر جهان" مبنی بر همکاری‌ها و تلاشهای مشترک علیه تروریسم، نمیدانم تبدیل‌کردن منطقه به مرکز بزرگ تجارتي و چه و چه‌های دیگر شوند!

نظامیان پاکستانی هر قدر که به دولت افغانستان نزدیک باشند، بازهم سودی که از بابت رشد و گسترش تندروی اسلامی به آنها می‌رسد در مقایسه با دوستی کابل به مراتب بیشتر است. نظامیان پاکستانی با جنگ، نظامی‌گری و صنعت ترور زنده‌اند؛ در غیر این نیازی دیده نمی‌شود تا آنها به عنوان نجات‌دهندگان پاکستان فرمان مدیریت این کشور را در اختیار داشته باشند. اگر جنگی در پاکستان و منطقه وجود نداشته باشد، سیاست جای نظامی‌گری را می‌گیرد و به این ترتیب رجوع مردم به نظامی‌ها زایل می‌شود و سیاستگران زمینه و فرصت بیشتر برای نفوذ در میان مردم را پیدا می‌کنند.

جنگ در افغانستان که بخشی از یک جنگ گسترده در سطح منطقه و جهان است نه به این زودی پایان‌یافتنی است و نه هم مدیریت‌اش در اختیار غنی و عبدالله. تا زمانیکه جنگ و بی‌ثباتی است ارتش پاکستان همچنان قدرتمند باقی می‌ماند و تندروی اسلامی هم به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد و موثر با گذشت هر سال نقش بیشتری به عهده می‌گیرد. ارتش پاکستان در بدل دست‌کشیدن از طالبان خواهان امتیازهای کلانی از دولت کابل است که هیچ دولت‌مرد وطن‌پرست و باوجدان زیر بار آن نخواهد رفت. از این نظر، تا زمانیکه زیاده‌خواهی‌های ارتش پاکستان برجایش باقی است، بنیادگرایی اسلامی وجود دارد و افغانستان همچنان شکننده و آسیب‌پذیر می‌ماند.

نظامیان پاکستانی هر قدر که به دولت افغانستان نزدیک باشند، بازهم سودی که از بابت رشد و گسترش تندروی اسلامی به آنها می‌رسد در مقایسه با دوستی کابل به مراتب بیشتر است. نظامیان پاکستانی با جنگ، نظامی‌گری و صنعت ترور زنده‌اند؛ در غیر این نیازی دیده نمی‌شود تا آنها به عنوان نجات‌دهندگان پاکستان فرمان مدیریت این کشور را در اختیار داشته باشند. اگر جنگی در پاکستان و منطقه وجود نداشته باشد، سیاست جای نظامی‌گری را می‌گیرد و به این ترتیب رجوع مردم به نظامی‌ها زایل می‌شود و سیاستگران زمینه و فرصت بیشتر برای نفوذ در میان مردم را پیدا می‌کنند.

جنگ در افغانستان که بخشی از یک جنگ گسترده در سطح منطقه و جهان است نه به این زودی پایان‌یافتنی است و نه هم مدیریت‌اش در اختیار غنی و عبدالله. تا زمانیکه جنگ و بی‌ثباتی است ارتش پاکستان همچنان قدرتمند باقی می‌ماند و تندروی اسلامی هم به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد و موثر با گذشت هر سال نقش بیشتری به عهده می‌گیرد. ارتش پاکستان در بدل دست‌کشیدن از طالبان خواهان امتیازهای کلانی از دولت کابل است که هیچ دولت‌مرد وطن‌پرست و باوجدان زیر بار آن نخواهد رفت. از این نظر، تا زمانیکه زیاده‌خواهی‌های ارتش پاکستان برجایش باقی است، بنیادگرایی اسلامی وجود دارد و افغانستان همچنان شکننده و آسیب‌پذیر می‌ماند.

نگاهی به چالش‌های...

نیروی کار ماهر از جمله مشکلات اساسی است. گرچه مشکل زمین قابل حل است. در میان مشکلات اما مساله‌ی نبود برق و نبود قرضه از جمله مشکلات عمده‌ی سرمایه‌گذاران است. ما سالانه پولی را برای خریداری برق از کشورهای همسایه به مصرف می‌رسانیم، در صورت داشتن استراتژی قوی ملی توسعه‌ی، می‌توانیم همین پول را برای تولید برق به مصرف برسانیم تا سرمایه‌گذاران و کسبه‌کاران در مناطق دور دست نیز قادر به سرمایه‌گذاری و تاسیس کارخانه جات شوند. در کشورهای دیگر، اگر سرمایه‌گذاری حاضر به تاسیس یک کارخانه می‌شود، دولت حاضر است به اندازه‌ی مبلغ سرمایه‌ی اولیه‌ی سرمایه‌گذار به وی قرضه بدهد، اما در افغانستان سرمایه‌گذاران از سوی دولت حمایت مالی نمی‌شوند و مورد تشویق قرار نمی‌گیرند.

چالش‌های فراراه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در افغانستان:

نبود بستر امن برای سرمایه‌گذاری
فرام آوردن سرمایه‌ی لازم برای کشور میزبان، دسترسی آسان به بازارهای جهانی و بین‌المللی، افزایش ظرفیت بهره‌وری، افزایش مهارت‌های مدیریتی، تخنیکی و مسلکی و دستیابی به تکنولوژی جدید از جمله‌ی مزایای این نوع سرمایه‌گذاری است که باعث افزایش تولیدات داخلی، توسعه‌ی صادرات و افزایش درآمد ملی نیز می‌گردد، اما این نوع سرمایه‌گذاری در افغانستان، دچار مشکلات زیادی است که از آن جمله می‌توان به نبود بستر امن سرمایه‌گذاری در کشور اشاره کرد. ناامنی، از جمله‌ی چالش‌های عمده‌ای است که بستر امن سرمایه‌گذاری را در کشور سد کرده است. وقتی اکثریت شرکت‌های داخلی، بیشترین هزینه را در بخش امن‌سازی منطقه و اموال خود انجام می‌دهند، می‌توان فهمید که بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری در این کشور وجود ندارد. بخصوص بعد از شکل‌گیری "حکومت وحدت ملی"، بی‌ثباتی سیاسی، امنیتی و اقصادی فرصت‌های خوب سرمایه‌گذاری را که در دوران حاکمیت کرزی بوجود آمده بود، سد کرد. به همین دلیل است که ما شاهد کاهش ۲۰ درصدی سرمایه‌گذاری

در افغانستان هستیم و شرکت‌هایی که از کشورهای مختلف به این کشور فعالیت داشتند، سرمایه‌ی شان را بیرون کشیدند و حتی سرمایه‌داران داخلی نیز سرمایه‌های شان را به بیرون از کشور انتقال دادند و یا از سرمایه‌گذاری دست کشیدند. دولت افغانستان بسته‌ی تشویقی‌ای را در سال ۲۰۱۲ عرضه کرد و گفت که هر سرمایه‌گذاری که بخواهد تازه سرمایه‌گذاری کند، از این بسته مستفید خواهد شد و این بسته تا چندین سال ادامه خواهد داشت، اما این بسته‌ی تشویقی نیز نتوانست در جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی مفید واقع شود؛ چون بستر اساسی سرمایه‌گذاری فراهم نیست. دولت بجای ارایه‌ی بسته‌های تشویقی، اگر امنیت جان و مال سرمایه‌گذار، مسیر ترانزیت کالاها و راه‌های مواصلاتی در کشور را تضمین کند، خیلی از سرمایه‌گذاران حاضر به سرمایه‌گذاری خواهند شد.

فساد اداری

بروکراسی دولتی که سابقه‌ی تاریخی خیلی طولانی دارد، بستر فساد اداری را گسترانده و یکی از عامل مهم فساد اداری در کشور است. کاغذبازی‌ها، سوءاستفاده از قدرت و موقف اداری، اختلاس و ارتشا از جمله‌ی شاخص‌های مهم فساداداری به شمار می‌رود. باوجود اینکه جامعه‌ی جهانی در کنفرانس لندن، شیکاگو و شانگهای، کاهش فساد اداری، تطبیق قانون و ارایه‌ی خدمات و حکومت‌داری خوب را پیش‌شرط تداوم همکاری شان با دولت افغانستان قلمداد نمود، اما دولت افغانستان و بخصوص سران حکومت، نه تنها اقدامات جدی را روی دست نگرفتند، بلکه در خیلی موارد به نظر می‌رسد که خودشان نیز در فساد اداری سفید، خاکستری و حتی سیاه نقش چشم‌گیری دارند. در وجود فساد اداری، رقابت سالم و بازار آزاد معنایش را از دست داده و بستر سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد و بازار از حالت سالم و رقابتی به حالت مافیایی تبدیل می‌شود. بدین اساس، اگر حکومت افغانستان تصمیم جذب سرمایه‌گذاران خارجی را در افغانستان داشته باشد، بجای ارائه‌ی بسته‌های تشویقی، با فساد اداری مبارزه کرده و بستر مناسب سرمایه‌گذاری را در کشور مساعد سازد.

عوامل سیاسی-حقوقی

ساختار حقوقی مالکیت، ریسک سیاسی کشور، وضعیت بروکراسی و قدرت دولت، نبود پشتوانه‌ی قانونی برای سرمایه‌گذاری از جمله‌ی عوامل بازدارنده‌ی سرمایه‌گذاری خارجی در کشور است. به طور مثال، نبود قانون معادن از جمله چالش‌های قانونی فراراه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در افغانستان است.

تصویب و توشیح‌نشدن قانون معادن، عدم اعتماد میان دولت و سرمایه‌گذاران خارجی را به میان آورده است. سرمایه‌گذاران خارجی نمی‌خواهند در نبود شفافیت قانونی-حقوقی دست به سرمایه‌گذاری بزنند و پول و جان شان را به خطر بیندازند.

در نهایت می‌توان گفت که دولت باید معیارهای اقتصادی، سیاسی، مالی و حقوقی و بستر امن و مناسب سرمایه‌گذاری را برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی به افغانستان فراهم آورد تا آنان از هر لحاظ اطمینان حاصل کنند که سرمایه، پول و جان شان مصون خواهد ماند و معاملات اقتصادی و تجاری شان در کشور بر اساس معیارهای حقوق بین‌المللی صورت می‌گیرد، در غیر آن، هیچ سرمایه‌گذار خارجی نه تنها شعبات شرکت‌های شان را در بازار افغانستان باز نمی‌کنند، بلکه دست به تاسیس کارخانه‌جات تولیدی نیز نخواهند زد.

دولت باید عوامل سیاست‌گذاری اقتصادی، ساختار اقتصادی، عوامل حمایتی و جغرافیایی-سیاسی را که مانع جذب سرمایه‌گذاران خارجی می‌شوند شناسایی کرده و از میان بردارند.

پانویس‌ها:

۱. گزارش تحلیلی از روند سرمایه‌گذاری در افغانستان، ۱۳۹۳، اداره‌ی آیسا
۲. بازشناسی عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۰، ۱۳۸۳، ص ۸۳
۳. بررسی عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنعت نفت و گاز ایران، نوشته‌ی صادق رنجبر و مهدی رستمی، ماهنامه‌ی علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره‌ی ۱۲۲، ۱۳۹۴، ص ۲۵-۲۶
۴. بررسی و شناسایی عوامل موثر بر جریانات جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوشته‌ی مسعود مجیدی فر، شرکت علمی-پژوهشی و مشاوره‌ای آینده‌ساز، ۱۳۹۴، ص ۳

اقتصاد یک میلیارد دلاری...

خودشان وابسته می‌کنند."

سپتامبر ۲۰۱۴، متیو اولسن، مدیر مرکز ملی ضدتروریسم امریکا، گفت داعش بخش بزرگی از بستر رندهای دجله و فرات را در اختیار دارد - قلمرویی به وسعت حدود ۲۱۰ هزار کیلومتر مربع، یا تقریباً مساحت بریتانیا. یک سال بعد، وزارت دفاع امریکا اعلام کرد که در نتیجه‌ی حمله‌های هوایی ائتلاف تحت رهبری این کشور و عملیات زمینی، مرزهای قلمرو داعش در شمال و مرکز عراق، و شمال سوریه، به اندازه‌ی قابل‌ملاحظه عقب رفته. ادعای وزارت دفاع امریکا این بود که داعش در ۲۰ تا ۲۵ درصد مناطق پرجمعیت سوریه و عراق که پیشتر جولان می‌داد، دست‌وپا

می‌گوید: "در حقیقت کشورداری می‌کنند. از هر کسب‌وکاری ۲۰ درصد مالیات می‌گیرند - از بقالی گرفته تا شرکت‌هایی که خدمات اینترنتی ارایه می‌کنند."

مایکل استیونس، مدیر موسسه‌ی تحقیقاتی RUSI در قطر، با آقای استرک هم‌نظر است. معتقد است داعش توانسته پایه‌های ابتدایی یک ساختار کشورگونه را بسازد - از وزارتخانه گرفته تا دادگاه و حتی یک نظام مالیاتی ابتدایی. می‌گوید: "وقتی شهری را تصرف می‌کنند، بلافاصله سوراخ منابع آب، آرد و هیدروکربن‌های دیگر آن منطقه می‌روند. کنترل و توزیع این منابع اصلی را به دست می‌گیرند، و در نتیجه مردم محلی را به

برگی از تاریخ

برنامه‌های پنهانی پاکستان

"تلاش‌ها برای پشتیبانی از مجاهدین طی سال‌های اول دهه‌ی ۱۹۸۰م افزایش می‌یافت. برای ما روشن شده بود که اگرچه پاکستانی‌ها با ما هدف مشترکی در بیرون‌راندن شوروی‌ها از افغانستان دارند، اما آنان برنامه‌های خاص خود را در معامله با گروه‌های مختلف مجاهدین و حتا فرماندهان افغان دنبال می‌کنند.

پاکستان از همان آغاز، این تلاش‌های پنهان را به عنوان وسیله‌ی برای رسیدن به اهداف سیاسی درازمدت‌اش در افغانستان می‌دید که می‌توان آن را به یک دیدگاه ساده خلاصه کرد: تلاش برای کنترل افغانستان از سوی یک گروه پشتون‌محور و بنیادگرای مذهبی که بتواند آلت دست پاکستان واقع شود، به اسلام آباد امکان دهد تا به بازار تجارت افغانستان و هم‌چنین به نفت و بازرگانی جمهوری‌های مسلمان‌نشین سابق اتحاد شوروی دسترسی داشته باشد؛ و در نهایت بتواند امنیت مرزهای غربی پاکستان را تامین کند. این اهداف باعث می‌شد تا اسلام‌آباد در مورد برخی از فرماندهان مجاهدین نسبت به دیگران بیش‌تر تمایل پیدا کند. به عنوان مثال، در حالی که به گلبدین حکمتیار و حزب اسلامی‌اش مقادیر قابل توجهی پول نقد و مواد داده می‌شد، دیگر فرماندهان نظیر احمدشاه مسعود، تاکتیکی‌ترین فرمانده در همان جانب محاصمه، آشکارا مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفتند. عقاید بنیادگرایانه‌ی حکمتیار با اهداف استراتژیکی پاکستان در افغانستان سازگار بود. اما مسعود و دیگر نیروهای تاجیک دید وسیع‌تری نسبت به افغانستان پس از دوره‌ی جهاد داشتند که با برنامه‌های پاکستان هم‌خوانی نداشت.

سی. آی ای برای مقابله با این شیوه‌ی جانب‌داری کوتاه‌نظرانه برنامه‌یی را برای ارتباط یک جانبه با فرماندهان مهم که نقش موثری در میدان جنگ داشتند، ولی در معرض بی‌توجهی دولت پاکستان قرار گرفته بودند، به راه انداخت. ما می‌دانستیم که این فرماندهان چه کسانی هستند و دشوار نبود که نمایندگان آن‌ها را بیابیم. تمامی فرماندهان ارشد افغانستان چنین افرادی را در پاکستان داشتند که ترتیب انتقال کمک‌ها را می‌دادند.

هنگامی که ارتباط یک جانبه‌ی ما با هر کدام از نمایندگان برقرار می‌شد، ما ترتیب یک دیدار را در پاکستان با خود فرمانده می‌دادیم. دیدار مستقیم ضروری بود، تا ما اطمینان پیدا کنیم که با شخص فرمانده مورد نظر سر و کار داریم و وی با پیشنهاد ما موافق است. به این شکل ترتیبات ساده و مستقیمی برقرار می‌شد. ما به این فرماندهان ماهیانه پول نقد پرداخت می‌کردیم. این مبلغ در برخی مواقع به پنجاه هزار دالر در ماه می‌رسید، و معمولاً برای فرماندهان کوچکتر پنج هزار در ماه بود. در مقابل، هر فرمانده برای ما گزارش ماهیانه و مستندی در مورد عملیات رزمی‌اش و هم‌چنین فهرست میزان پول نقد و موادی را که از پاکستان دریافت کرده بود، ارائه می‌کرد. تا جایی که من می‌دانم، هیچ فرماندهی پیشنهاد ما را رد نکرد. آن‌ها در استخدام ما نبودند، و هنگامی که جنگ در منطقه متوقف می‌شد یا جهاد به پیروزی می‌رسید، روابط ما نیز متوقف می‌شد. این شیوه نه تنها به ما امکان داد تا پول به دست فرماندهانی برسانیم که نقش موثری داشته و مورد بی‌مهری پاکستانی‌ها قرار گرفتند، بلکه با استفاده از این میکانیزم صحت و سقم اظهارات پاکستانی‌ها را در مورد نحوه‌ی توزیع پول و تسلیحات در می‌یافتیم.

تا تابستان ۱۹۸۸م/۱۳۶۷ خورشیدی شوروی‌ها درهم کوبیده شده و کاملن احساس می‌شد که آن‌ها دیر یا زود از افغانستان خارج خواهند شد. سفارت ما یکی از معدود نمایندگی‌های غربی بود که هنوز هم در کابل فعالیت می‌کرد و ما با استفاده از پرسونل اندک باقیمانده در آنجا می‌توانستیم اطلاعات دست اولی از وضعیت به دست آوریم؛ اما سیاست‌گذاران ارشد چنین نتیجه‌گیری می‌کردند که واشنگتن باید شمار کارمندان سفارت را کاهش دهد و در نهایت نمایندگی خود را ببندد. تصور بر این بود که چنین اقدامی پیام نیرومندی به شوروی‌ها و رژیم کمونیست افغانستان خواهد داد."

منبع: ماموریت سقوط، چگونه سی. آی. ای عملیات براندازی طالبان را در افغانستان رهبری کرد؟ نوشته‌ی گری سی. شرون، ترجمه‌ی اسدالله شفاپی، چاپ دوم، ۱۳۹۱، کابل: مرکز مطالعات صلح و توسعه، صص ۷۰ و ۷۱

